اتحاد مجدد دو کره و تجربه اتحاد دو آلمان

بیش از 40 سال است که سربازان‏ دو کشور کره جنوبی و شمالی در طول منطقه‏ غیر نظامی یکدیگر را زیر نظر دارند،ولی‏ این وضع تا چه مدت می‏تواند ادامه‏ پیدا کند؟اقتصاد کره شمالی در موقعیت‏ دشواری قرار دارد،و قحطی زندگی مردم‏ این کشور را تهدید می‏کند.به همین‏ خاطر،فروپاشی دولت جدایی‏طلب‏ کمونیست و همچنین جذب این کشور توسط کره جنوبی قوت بیشتری گرفته‏ است.

اتحاد دو کره،در صورت تحقق،یکی‏ از با اهمیت‏ترین رویدادهای ژئوپلوتیک‏ محسوب خواهد شد.ولی در عین حال، پیامدهای اقتصادی عظیمی نیز برای این‏ شبه جزیره در پی خواهد داشت.اگرچه‏ غیر ممکن است بتوان بزرگی این پیامدها را به‏طور دقیق پیشبینی کرد،ولی اتحاد مجدد دو آلمان می‏تواند تا حدی در این‏ زمینه راهگشا باشد.کره‏ایها باید توجه‏ داشته باشند که تجربه آلمان دشوار بوده‏ است-و تجربه آنها بسیار دشوارتر خواهد بود.گفتنی اینکه،کره این امتیاز را دارد که‏ از اشتباههای آلمان عبرت بگیرد.

آمار متعددی که توسط کارشناسان‏ DRESDNER BANK در فرانکفورت‏ تهیه شده است اهمیت وظیفه کره را نشان می‏دهد(به جدول نگاه کنید)و

کره جنوبی،در مقایسه با آلمان غربی، ناچار است جمعیت نسبتا فقیرتری را از طرف کره شمالی بپذیرد.جمعیت کره‏ شمالی نصف کره جنوبی است،درحالی‏ که جمعیت آلمان شرقی تنها یک چهارم‏ آلمان غربی می‏باشد.درآمد سرانه کره‏ شمالی(به دلار)حدود یک دهم کره‏ جنوبی است،حال آنکه در سال 1990 این‏ رقم برای آلمان شرقی تنها یک سوم‏ نسبت به آلمان غربی بود.

این ارقام تنها می‏تواند شکاف بین‏ دو کره را نشان دهد.آلمان شرقی پیش از اتحاد در سال 1989 یکی از مدرنترین‏ اقتصادهای بلوک کمونیستی را داشت. ولی صنایع آن،برخلاف آنچه که آمارها نشان می‏داد،بسیار کهنه و قدیمی بودند. تولید صنعتی آلمان شرقی،در صحنه‏ رقابت جهانی،تا 60 درصد رشد پیدا کرد. این واقعیتها در مورد کره شمالی بسیار ناراحت‏کننده‏تر است.

درحالی که تجارت کره جنوبی از رشد چشمگیری برخوردار بوده،کره شمالی خود را از بقیه جهان منزوی کرده است:ارزش‏ صادرات آن در سال 1995 تنها 3 درصد تولید ناخالص داخلی‏اش بود.براساس‏ گزارش بانک توسعه کره جنوبی، تکنولوژی صنایع کره شمالی مربوط به 20 سال پیش است.

مهمترین اقدام اقتصادی که انجام آن‏ در این شبه جزیره ضروری به نظر می‏رسد،توقف مرگ‏ومیر ناشی از گرسنگی در کره شمالی است.با این حال، در درازمدت،پول بسیار زیادی لازم است‏ تا اوضاع اقتصادی کره شمالی به حالت‏ عادی درآید.در غیر این صورت صنایع‏ این کشور نمی‏توانند کالاهای باارزش‏ تولید کنند و به ناچار تعطیل خواهند شد که موجب بیکاری بسیاری از مردم کرده‏ شمالی می‏شود.در نتیجه،میلیونها نفر از آنها در جستجوی کار احتمالا به جنوب‏ خواهند رفت و همین امر باعث کاهش‏ دستمزدها خواهد شد.

چه مقدار پول لازم است تا وضعیت‏ اقتصادی کره شمالی بهبود یابد؟مبلغی‏ که در این زمینه برای آلمان شرقی خرج‏ شد بسیار چشمگیر بوده است.در طول 6 سال پس از اتحاد دو آلمان،حدود 600 میلیارد دلار یعنی بیش از 5 درصد از تولید آلمان غربی از طرف این کشور به آلمان‏ شرقی تزریق شد.در مورد کره شمالی، بررسیهایی در موسسه اقتصاد بین المللی‏ واشنگتن دی‏سی به عمل آمده که نشان‏ می‏دهد اتحاد کره در سال 2000 روی‏ خواهد داد و درآمد کره شمالی در طول 10 سال به 60 درصد درآمد کره جنوبی‏ خواهد رسید.مبلغی که به همین خاطر شاخصهای اجتماعی و اقتصادی در کره(1995)و آلمان(1989)

 منبع: DRESDNER BANK

باید صرف کره شمالی شود حدود 240 میلیارد دلار است،که بیش از نصف تولید ناخالص داخلی کره جنوبی است.در این‏ بررسیها همچنین پیشبینی شده که کره‏ جنوبی برنامه آلمان در مورد حمایت از آلمان شرقی را تکرار می‏کند،ولی با توجه‏ به نسبت اختلاف جمعیت دو کشور،هزینه این‏ کار برای کره جنوبی بیش از دو برابر است.

نکته دلسردکننده اینکه،خرج این‏ مبالغ عظیم هیچ‏گونه تضمینی برای‏ موفقیت نیست.در گزارش‏ DRESDNE BANK خاطرنشان شده‏ که به رغم تمام مبالغی که آلمان شرقی‏ دریافت کرده است و به رغم نرخ سرمایه‏ گذاری حدود 50 درصد از تولید ناخالص‏ داخلی،اقتصاد این کشور هنوز نامساعد است.

اشتباههایی که نباید تکرار شود

آیا آینده کره تا این حد دلسردکننده‏ است؟کارشناسان موسسه اقتصاد بین المللی معتقدند که تقریبا چنین است. ولی در بررسیهای این موسسه هزینه‏ اتحاد دو کره بیش از حد برآورد شده است. برای مثال،کره برنامه آلمان را تکرار نخواهد کرد،زیرا سخاوتمندی نظام‏ رفاهی این کشور نسبت به آلمان بسیار کمتر است.از طرف دیگر،سربازان این‏ شبه جزیره به کارهای مفیدتری خواهند پرداخت،و دیگر حقوق نمی‏گیرند که‏ یکدیگر را ببینند.و همین اقدامها باعث‏ کاهش هزینه خواهد شد.

مهمتر آنکه،اگر کره اشتباههای‏ آلمان را تکرار نکند وظیفه‏اش آسانتر خواهد بود.یکی از اشتباهها بازگرداندن‏ حق مالکیت به صاحبانشان بود که‏ در دوران کمونیستها مصادره شده بود.این‏ کار باعث تاخیر در سرمایه‏گذاری‏ و خصوصی‏سازی شد.یکی دیگر از اشتباهها این بود که به کارگران آلمان‏ شرقی بیش از حد بهره‏وریشان دستمزد پرداخت شد.در نتیجه،اتحادیه‏ها تلاش‏ کردند تا دستمزدهای آلمان شرقی را به‏ سطح آلمان غربی برسانند.و این اقدام به‏ رغم شکاف مستمر بهره‏وری بین شرق‏ و غرب بود.این کارها موجب غیر رقابتی‏ شدن صنایع،دلسردی در سرمایه‏گذاری‏ و افزایش بیکاری در آلمان شرقی شد.

کره با همین مشکلات رودرروست.

شکاف موجود در دستمزدها و استانداردهای زندگی دو کره باعث‏ خواهد شد تا شمالی‏ها به سوی نواحی‏ پررونق‏تر عزیمت کنند.دولت کره متحد تنها با تشویق سرمایه‏گذاری در شمال‏ و ایجاد فرصتهای شغلی می‏تواند مانع از این‏گونه مهاجرتها شود.ولی چه کسانی‏ سرمایه‏گذاری خواهند کرد؟چائبول یا اتحادیه شرکتهای ادغام شده که بر اقتصاد کره جنوبی حاکم هستند و رابطه‏ نزدیکی با دولت دارند احتمالا این کار را به عهده خواهند گرفت.یقینا این کافی‏ نخواهد بود بویژه آنکه بسیاری از شرکتهای چائبول با مشکلات مالی مربوط به خودشان دست به گریبان هستند.

تا اینجا،دولت کره جنوبی تمایل‏ چندانی نداشته است تا به سرمایه‏گذاران‏ خارجی فرصت مشارکت در اقتصادش را بدهد.ولی با اتحاد مجدد دو کره آیا چاره‏ دیگری نیز باقی می‏ماند؟

منبع:اکونومیست،مه 1997